

شیوه تحقیق پروفیسور نذیر احمد در نقد قاطع برهان

علاءالدین شاه*

شادروان پروفیسور نذیر احمد از پیشگامان ادبیات فارسی، به‌ویژه در هند، محسوب می‌شود که پژوهش‌های مهمی در این زمینه انجام داده است. چنانکه نقل می‌کند هندیان در هنر فرهنگ‌نویسی فارسی، پیشرو دوستان ایرانی بوده‌اند. پروفیسور نذیر احمد نیز در این زمینه تحقیقات گسترده‌ای انجام داده است. وی بسیاری از فرهنگ‌های قدیمی که در هند نگاشته شده است را کشف و پس از تصحیح منتشر کرد. وی نه تنها فرهنگ‌های قدیم و ناشناخته را ویراستاری کرد و به‌طبع رسانید، بلکه بررسی‌هایی تطبیقی و انتقادی درباره فرهنگ‌های معروف انجام داد که در هند و ایران بی‌نظیر است. کتاب نقد قاطع برهان استاد نذیر احمد (به زبان اردو) که در نقد برخی از مندرجات قاطع برهان اثر مشهور میرزا غالب است، نمونه‌ای از کارهای مهم استاد به‌شمار می‌آید. غالب رساله یادشده را در ردّ برهان قاطع (تألیف محمدحسین بن خلف تبریزی) که از مشهورترین فرهنگ‌های فارسی هند است، تألیف کرد. به‌نظر استاد نذیر احمد بیشتر انتقادات غالب بر برهان قاطع، دیدگاه‌های شخصی این شاعر هندی است و اساسی علمی و تحقیقی ندارد.

استاد در این کتاب نظریات غالب را با تحقیقات دقیق و مطالعه تطبیقی منابع موثق و گوناگون بررسی و نقد کرده است. او معتقد است که تا به‌حال چنین مطالعه تطبیقی در این زمینه انجام نگرفته است. وی می‌نویسد:

* استادیار بخش فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

«... در کتاب مورد نظر یک مطالعه تحقیقی در مورد همان بیانات (غالب) عرضه می‌شود و این سعی براساس مطالعه تطبیقی اسناد قدیم انجام گرفته است. من از این رو خوشنودم که اولین بار در روشنایی فرهنگ‌های گوناگون و قدیم فارسی از جمله فرهنگ قواس، دستورالافاضل، زفان‌گویا و بحرالفضائل، مسائل متفرق فرهنگ‌نویسی مورد انتقاد و مطالعه قرار می‌گیرد و طبق اطلاعات من مطالعه‌ای راجع به این فرهنگ‌های نامبرده که در هند تدوین یافتند؛ چه در زبان اردو، بلکه در فارسی نیز انجام نگرفته است. با مطالعه تطبیقی این فرهنگ‌ها ما به این نتیجه رسیده‌ایم که بیشتر ایرادهای میرزا غالب در مورد برهان قاطع درست نیست»^۱.

استاد بر این عقیده است که برهان قاطع اگرچه از اشتباه و کاستی مبرا نیست اما مؤلف برهان قاطع ادعای محقق بودن نمی‌کند و هدف اصلی وی از تألیف کتاب بنا به گفته خود او فقط جمع‌آوری مندرجات منابع قبلی است و وی به صحت و درستی واژه‌ها توجهی ندارد و از اهل علم نیز استدعا می‌کند که اگر به نظر ایشان کلمه‌ای و اسم و معانی آن محل اختلاف نظر باشد، عیب و اشتباهش را بیوشانند؛ چون او فقط جامع لغات و تابع ارباب لغات است، واضع و محقق نیست.^۲

به نظر استاد نخستین وظیفه فرهنگ‌نویس تشخیص و شناسایی واژه‌های درست و نادرست است و از این رو مؤلف برهان قاطع فرهنگ‌نگاری موفق نیست و با وجود شهرت و مقبولیت فراوان، تألیفش مطابق معیارهای فرهنگ‌نویسی نیست؛ اما چون صاحب برهان قاطع هدفش را مشخص کرده است و ناتوانی خود را قبول دارد، پس ایرادهای بسیار میرزا غالب علیه صاحب برهان مناسب نیست. ذکر این نکته نیز لازم است که میرزا غالب خود با قواعد و فنون فرهنگ‌نویسی آشنایی کاملی نداشت. محمد حسین بن خلف تبریزی و غالب هر دو با تاریخ و تمدن و زبان قدیم ایران آشنا نبودند و به علت همین عدم آگاهی هر دو به دام دساتیر افتادند. هر دوی این محققان زبان

۱. نقد قاطع برهان، پیشگفتار، ص الف.

۲. همان، ص ب.

مصنوعی دساتیر را فارسی سره محسوب کردند و محتویات آن را تاریخ اصلی ایران قرار دادند!

نقدِ قاطعِ برهان

قاطع برهان از تصانیف مهمّ غالب است که در نقدِ برهانِ قاطع نوشته شده است. کتاب برهانِ قاطع از مشهورترین و متداول‌ترین فرهنگ‌های فارسی است و مؤلف آن محمدحسین بن خلف تبریزی متخلص به «برهان» است. وی این فرهنگ را در سال ۱۰۶۲ ق (۱۶۵۲ م) در عهدِ سلطان عبدالله قطب‌شاه در شهر گولکنده (جنوب هند) تدوین کرد. استاد نذیر احمد و ویژگی‌های این کتاب را چنین برمی‌شمارد:

۱. حجیم‌ترین فرهنگِ فارسی آن زمان است و تعداد واژه‌های موجود در آن با فرهنگ‌های دیگر مقایسه‌شدنی نیست.
 ۲. در این فرهنگ واژه‌ها به ترتیب حروف تهجی مرتب شده‌اند و این ترتیب در فرهنگ‌های قبلی دیده نمی‌شود.
 ۳. در فرهنگ‌های دیگر معانی واژه‌ها به این تفصیل ذکر نشده است.
 ۴. اغلب تلفظ واژه‌ها نیز نقل شده است.
- کمبودها و نقایص این فرهنگ طبق تحقیقات استاد چنین است:
- ۱) در برهانِ قاطع تصحیفات فراوانی راه یافته است و صدها واژه به شکل‌های تحریف‌شده در ردیف کلمه‌های اصلی قرار گرفته است.
 - ۲) محتویات کتاب‌های جعلی چون دساتیر در این فرهنگ نقل شده است.
 - ۳) در محتویات این فرهنگ، کلمه‌های هزوارش داخل شده است.
- درباره آخرین نقص این فرهنگ، استاد مرحوم چنین توضیح می‌دهد که در زبان پهلوی خواندن واژه‌های هزوارش شیوه ویژه‌ای داشت. یعنی کلمه‌های زبان دیگر را به خط پهلوی می‌نوشتند؛ اما در زمان خواندن، معادل پهلوی آن خوانده می‌شد. برای مثال در خط پهلوی کلمه‌ای «ملکان ملک» نوشته می‌شد؛ اما «شاهنشاه» خوانده می‌شد.

۱. نقدِ قاطعِ برهان، ص ب.

هزارها کلمه هزوارش در زبان پهلوی وجود دارد؛ اما در برهان قاطع به جای معادل پهلوی، شکل‌های خطی کلمه‌های هزوارش به گمان واژه‌های اصلی پهلوی و فارسی نقل شده است.

پروفیسور نذیر احمد در نقد قاطع برهان می‌نویسد که توجه میرزا غالب هیچ‌وقت به این دو نقص بزرگ برهان قاطع یعنی ورود محتویات جعلی دساتیر و کلمه‌های هزوارش معطوف نشد؛ چون او نیز این حقایق اصلی را کشف نکرده بود. توجه غالب فقط به کلمه‌هایی معطوف بود که به نظر وی به شکل تحریف‌شده در برهان وجود داشت. میرزا غالب مؤلف برهان قاطع را فقط به علت همین نقص سرزنش و به شدت استهزا می‌کند؛ ولی به نظر پروفیسور این کار غالب درست نیست و با اصول تحقیقی مغایر است. وی در این باره چنین توضیح می‌دهد:

«در ضمن کوشش‌های او (غالب) راجع به تحریف‌های لفظی برهان قاطع تنها این نتیجه برآمد که شکل‌های گوناگون کلمه‌ها معلوم شد، اما مشخص نگردید که کدام یک از آنها اصل است و کدام شکل محرف. در واقع تشخیص کلمه اصلی و درست در میان شکل‌های متعدد آن نیاز به علم عمیق و تحقیق دقیق دارد. علاوه بر آگاهی زبان‌های باستانی ایران، آشنایی زبان‌های متعلق به سانسکریت، مطالعه دقیق فرهنگ‌های فارسی و آگاهی عمیق به متون مثنوی و منظوم فارسی لازم است. اما غالب در هیچ‌کدام درکی از این نداشت. او منابع خیلی کمی داشت و در کلمات صریح توضیح داده است که فرهنگی از چهار فرهنگ نامبرده در مقدمه برهان یعنی فرهنگ جهانگیری، فرهنگ سروری، سرمه سلیمانی و صحاح‌الدویه پیش او نیست و فقط قدری از شرف‌نامه منیری استفاده نموده است. او به متون قدیم فارسی علاقه زیادی نداشت و نسخه‌های خطی در دست او نبود. ما می‌دانیم که تا نیمه قرن نهم هجری تشخیص و تمیز بین دال و ذال فارسی همچنین متداول بود و اگر غالب این نسخه‌های خطی را می‌دید، وجود ذال فارسی را تکذیب نمی‌کرد؛ چون در هر نسخه خطی صدها کلمه را با ذال نوشتند که سپس به دال مبدل گردید. خلاصه اینکه انتقاد

برهان قاطع تخصصی ایجاب می‌کرد که در غالب نبود. بنابراین بیشتر انتقادات او بی‌اساس است...»^۱

در سطور پیشین استاد نذیر احمد به صراحت دانش و مطالعه غالب را در زمینه متون مثنوی و منظوم فارسی زیر سؤال می‌برد. این صراحت شاید برای دوستداران غالب چندان خوشایند نباشد؛ به همین دلیل استاد چنین توضیح می‌دهد:

«در این مورد این سخن قابل تذکر است که در زمان غالب بیشتر متون فارسی چاپ نشده بود. او فرهنگ‌های قدیم در اختیار نداشت. از این رو او نتوانست بفهمد که ریشه‌های تحریفات برهان به گذشته‌های دور می‌کشید...»^۲

به عقیده پروفیسور شکی نیست که غالب شخصی باهوش و زیرک طبع بود. ولی فن فرهنگ‌نویسی علاوه بر هوشمندی، به مطالعه گسترده و عمیق لغات و متون ادبی نیاز دارد؛ چرا که مسئله زبان و لغات بیش از هوشمندی علمی با کاربرد عمومی ارتباط دارد. عقل و قیاس می‌گوید که یک کلمه و معنی آن باید به شکلی جداگانه وجود داشته باشد؛ اما اگر در استفاده عمومی برعکس آن باشد، همان کاربرد عام مستند و معتبر می‌شود. دریافت همین استفاده عمومی واژه‌ها و کلمه‌ها بدون مطالعه عمیق و گسترده امکان ندارد.

استاد با وجود همه نقایص و کمبودهای قاطع برهان، طبع بی‌مانند و قوت تخیلی غالب را تحسین می‌کند که از کتابش مشهود است. پروفیسور معتقد است که این کتاب را می‌توان در مطالعه سیرت و اخلاق غالب به کار برد. غالب مردی بسیار حساس بود و نمی‌توانست چیزی خلاف مزاج خود را تحمل کند. اگر کاری علیه طبعش رخ می‌داد، وی واکنش شدیدی نشان می‌داد. استاد نذیر احمد اقتباس زیر از قاطع برهان را - که مربوط به اهداف تألیف این کتاب است - در تأیید سخن خود آورده است:

«عزیزی به من گفت که تو را از تخطئه جامع برهان قاطع غرض چیست؟ گفتم اعلان حق، قلب از جید و جعل از اصل جدا کنم، چنانچه مرشد کامل تفرقه

۱. نقل قاطع برهان، ص ۳.

۲. همان.

وساوسِ شیطانی از خطراتِ رحمانی خاطر نشان طالبانِ راهِ حق می‌کند، اگر طبع سلیم داری، بپذیر و اگر تردید کلام می‌کنی، ناسزا مگوی و دشنام مده و حرف‌های سودمندِ خردپذیر در ضمیر فراهم آر و عبارتی ترکیب ده که اگر فصیح نبود باری سؤال دیگر جواب دیگر نه باشد، من درد سخن دارم و از دریغ می‌رنجم، از آن راه، جامع برهانِ قاطع را زشت می‌گویم، آن هم ظریفانه و حریفانه به‌بذله و لطیفه، نه مختثانه و سهیفانه به‌فحش و دشنام^۱.

پروفیسور نذیر احمد با ذکر مثالی از قاطع برهان، غالب را به انتقادات تند علیه صاحب برهانِ قاطع متهم ولی به این نکته اذعان می‌کند که در انتقادات تند غالب نیز طبع خلاق و بذله‌گویی او مشهود است. در برهانِ قاطع کلمه «دب» به معنی خرس هم آمده است و نیز افزوده است اگر خون خرس را به کسی که تازه مجنون (دیوانه) شده است بخوراند، جنونش از بین می‌رود. غالب در ردّ و جواب این معنی می‌نویسد:

«دلم بر بی‌کسی‌های این ناقلِ ناعاقل می‌سوزد، آیا کس از غم‌خواران و تیمارداران نبود که هرگاه این بیچاره آهنگ نوشتن برهانِ قاطع کرد و آن مقدمه جنون بود، خون خرس به گلو می‌ریخت و به بینی می‌دمید و به کف پا می‌مالید تا از رنج سودا می‌رست و لب از هذیان می‌بست»^۲.

چند مثال دیگر از درشت‌گویی غالب علیه صاحب برهانِ قاطع که استاد در کتابش نقل کرده است، به شرح زیر است:

«تا چه دیده است که ... مرغ فهمیده است».

«چادر را گذاشتن و مادر را آوردن بی‌حیایی است، ظرافت پیشی کش».

«نیز نام ... می‌گیرد، گویی هر جا همین عضو را می‌بیند».

«مگر چهارپایه هم‌وزن نتوانست نوشت که چهار... آورد، مسکین چه کند، هرچه در نظر داشت نوشت».

۱. قاطع برهان، ص ۸۴؛ به نقل نقدِ قاطع برهان، ص ۱۰.

۲. به نقل نقدِ قاطع برهان، ص ۲-۱۱.

غالب در بعضی موارد توضیح می‌دهد که چه قدر برایش مشکل است که مانع دشنام‌گویی خود شود:

«چه مایه خون خورده باشم تا به مشاهده این بی‌ربطی، زبان از دشنام نگاه داشته باشم».

شیوه تحقیق در نقد قاطع برهان

قاطع برهان غالب در نقد برهان قاطع تألیف شده است و غالب قصد داشت کمبودها و کاستی‌های متن برهان قاطع را نشان دهد. وی در جایی می‌نویسد که هدف وی از تألیف قاطع برهان «قلب را از جید و جعل را از اصل جدا ساختن» است؛ اما چنانکه پروفیسور نذیر احمد قضاوت کرده است، روش تحقیق میرزا غالب مغایر با اصول تحقیق است. به عقیده استاد نقد متون لغت‌نامه‌ای و تصحیح فرهنگ و فرهنگ‌نویسی از مشکل‌ترین کارهای پژوهشی و ادبی است. از نقص‌های مهم روش تحقیق میرزا غالب که استاد مرحوم در نقد قاطع برهان آنها را بیان کرده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱) نداشتن اطلاع کافی غالب از فن فرهنگ‌نویسی.
 - ۲) ناآشنایی او به زبان‌های هم‌ریشه با زبان فارسی مانند سانسکریت و پهلوی و غیره.
 - ۳) نبود مطالعه دقیق لغات فارسی.
 - ۴) ناآگاهی عمیق به متون مثنوی و منظوم فارسی.
- استاد نذیر احمد در نقد قاطع برهان در حدود ۱۴۰ واژه منتخب و شکل‌های گوناگون آن را که غالب به آنها اعتراض کرده بود، نقد و بررسی کرده است. شیوه نقد استاد درباره هر واژه به این ترتیب است:

۱. ابتدا واژه‌های منتخب از قاطع برهان را به ترتیب حروف تهجی نقل می‌کند.
۲. سپس خلاصه معنی و تشریح هر واژه را بیان می‌کند که در برهان قاطع آمده است.
۳. سپس اعتراض و ایرادهای میرزا غالب را درباره آن واژه نقل می‌کند.
۴. و در آخر نوشته‌های غالب و درستی آن را با توجه به منابع مختلف برای مثال فرهنگ‌ها و متون معروف مثنوی و منظوم فارسی نقد و بررسی می‌کند.

نقدِ قاطع برهان در دو قسمت چاپ شده است؛ یعنی قسمت اصلی آن شامل نقدِ قاطع برهان غالب است و بخش دوم ضمیمه مقالات استاد است که پیش از نگارش این کتاب در کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی ارائه شده و در مجلات هند و ایران به چاپ رسیده است. از عناوین این مقاله‌ها چنین برمی‌آید که موضوع آنها با موضوع اصلی این کتاب یعنی نقدِ قاطع برهان مناسبت دارد و غالباً انگیزه اساسی تألیف این کتاب بوده است. من فقط عناوین مقاله‌ها را نقل می‌کنم:

- نظری بر دستاویز.
- برهانِ قاطع.
- اتحاد نظر بین غالب و صاحبِ برهانِ قاطع.
- غالب و ذال فارسی.
- تصحیفات و لغات فارسی.